

صندوق بین‌المللی توسعه کشورهای حاشیه تنگه‌ها



کیومرث اشتریان

یمن، جیبوتی، سومالی، اریتره و سودان از فقیرترین کشورهای جهان هستند که در تنگه باب‌المندب و دریای سرخ قرار دارند؛ یعنی جایی که ثروت و سرمایه جهان از آنجا جریان دارد. چه می‌شد اگر نظام بین‌الملل و سرمایه‌داری جهانی به‌جای این همه کشتار و خونریزی، «حق جغرافیایی» کشورهای ساحلی را از جریان‌یابی سرمایه جهانی در این منطقه در نظر می‌گرفت یا اینکه زمینه توانمندسازی آنان فراهم شود تا بتوانند سهمی از خدمات دریایی را برگیرند؟ اگر چنین بود، منطقه این‌سان در معرض بی‌ثباتی قرار نمی‌گرفت. بخش مهمی از ناامنی ریشه در بی‌توجهی نظام سرمایه‌داری جهانی به این موضوع دارد. بنابراین پرسش این است چگونه بخشی از ثروتی که از عبور تجارت جهانی از تنگه‌ها ایجاد می‌شود، به توسعه کشورهای ساحلی بازگردد؟ این، یک پرسش عدالت توزیعی (Distributive Justice) است که دیپلماسی ایرانی می‌تواند آن را در مجامع بین‌المللی طرح کند. هم‌اکنون، بیمه دریایی، خدمات سوخت‌رسانی، بازرسی و هدایت و… در انحصار چند شرکت بزرگ است؛ یعنی نه‌تنها از تجارت جهانی سود می‌برند، بلکه بیمه ژئواکونومیک آن را هم در اختیار دارند. داده‌ها نشان می‌دهد سیستم سرمایه‌داری جهانی از طریق انحصار خدمات دریایی (به‌ویژه بیمه)، ارزش عظیمی را استخراج می‌کند؛ درحالی‌که کشورهای ساحلی (ایران، یمن، سومالی، اریتره، جیبوتی، سودان و…) نه‌تنها سهمی از این درآمد ندارند، بلکه هزینه‌های ناامنی و بی‌ثباتی را نیز متحمل می‌شوند. شرکت‌های مسلط عمدتاً بریتانیایی و اروپایی هستند و ساختار بازار به‌گونه‌ای طراحی شده که عملاً ورود بازیگران جدید (به‌ویژه کشورهای فقیر منطقه) را غیرممکن می‌کند.

روی سخن با وزارت امور خارجه است که از فرصت استفاده کند؛ بحران‌ها فضای گفتمانی ایجاد می‌کنند و فرصتی برای طراحی نهاد (Institution Design) در سطح بین‌المللی فراهم می‌شود. وزارت امور خارجه می‌تواند پیشنهاد ایجاد صندوق بین‌المللی توسعه خدمات دریایی (Strait Development Fund) در کشورهای حاشیه تنگه باب‌المندب و هرمز را ارائه دهد. اگر تنگه‌ها منابع مشترک جهانی (Global Commons) هستند، پس چرا از منظر توزیع مجدد جهانی (Global Redistribution) بازبینی نشوند؟ این موضوع را می‌توان در فضای دیپلماتیک این‌گونه صورت‌بندی کرد: استخراج رانت و استحصال منافع اقتصادی بدون ایجاد ارزش واقعی برای کشورهای ساحلی و اغلب از طریق قدرت سیاسی، انحصار، مجوز، امتیاز یا موقعیت نهادی انجام می‌شود. استدلال این است که حمل‌ونقل بین‌المللی، در نقاط خفگی استراتژیک، ثروت جهانی تولید می‌کند. این کشورهای ساحلی هستند که هزینه‌های امنیتی آن را می‌پردازند و این باعث بی‌ثباتی و خلل در توسعه‌یافتگی آنها می‌شود. اقتصاد جهانی از تنگه‌ها سود می‌برد، اما هزینه توسعه کشورهای ساحلی را نمی‌پردازد. ابزارهای نهادی کنونی همچون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، برنامه توسعه سازمان ملل متحد، بانک توسعه آفریقا، بانک توسعه اسلامی، سازمان بین‌المللی کشتیرانی و… اساساً به این مهم نپرداخته‌اند، بلکه به نام قوانین بین‌المللی، کشورهای قدرتمند و ثروتمند در برابر دیدگان مردم این مناطق و در حوزه‌های آبی-جغرافیایی آنان رژه ثروت و تجارت برگزار می‌کنند. بیمه دریایی یک ابزار قدرت است که قدرت ژئواستراتژیک کشورها را محدود کرده؛ یعنی در این میانه جغرافیا و حق جغرافیایی به‌کلی نادیده گرفته شده است. اگر هر کشتی که از یک تنگه عبور می‌کند، هزینه کوچکی پرداخت کند و مثلاً به ازای هر تن، منابعی وارد صندوق شود و این صندوق تحت نظارت سازمانی بین‌المللی قرار گیرد تا سرمایه‌گذاری در توانمندسازی، بندر، لجستیک، آموزش دریایی، تعمیر کشتی، بیمه محلی و خدمات بندری کشورهای ساحلی را مدیریت و نظارت کند، می‌تواند گامی مهم برای صلح و ثبات اقتصاد جهانی باشد. کشورهای ساحلی تنگه‌های بین‌المللی «نگهبانان کالاهای عمومی جهانی» هستند، اما نظام اقتصاد جهانی هیچ سازوکار نهادی برای جبران هزینه‌ای که این کشورها بابت حفظ این کالاهای عمومی می‌پردازند، ایجاد نکرده است.

۵۳۵

ادامه‌دار صفحه ۳

یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۵
۱۸ صفر ۱۴۴۸
۲۰۲۶آگوست
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۴۴۲
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

۴۱۶

در «شرق» امروز می‌خوانید:
گفت‌وگوی تلفنی وزرای امور خارجه ایران و انگلیس • روایت قالیباف از نحوه تصمیم‌گیری درباره زمان اعلام شهادت رهبر انقلاب • ساخت‌وسازهای سوداگران/ه/ مهدی زارع

تجارت؛ گرفتار بوروکراسی مرزی

کیمیا نعمت‌اله:
این روزها صف طولانی کامیون‌ها در مرزهای ایران به چشم می‌آید. رانندگان می‌گویند گاهی تا ۱۰ روز معطل می‌مانند، آن هم در گرمای طاقت‌فرسای تابستان و امکاناتی که برای اقامت و استراحت رانندگان وجود ندارد. پس از محاصره دریایی کشور در جنگ، مسیرهای زمینی تجارت کالا، جایگزین دریا شده‌اند، اما فعالان صنعت حمل‌ونقل می‌گویند حداکثر حدود ۴۰ درصد تجارت دریایی قابلیت جایگزینی با مسیرهای زمینی را دارد، با این حال انتقال کالا در مرزهای کشور کند است و برخورد‌های جزیره‌ای و بوروکراسی اداری، روند تجارت کالا را دشوارتر از همیشه کرده است. محاصره دوباره تنگه هرمز توسط آمریکا، باعث شده بخش قابل‌ توجهی از تجارت خارجی ایران به سمت مسیرهای زمینی هدایت شود.

۴۱۷

گزارش «شرق» از داوطلبان نابینایی که با وجود قبولی در آزمون و مصاحبه، پذیرش نهایی نشدند

نابینایان پشت در دانشگاه فرهنگیان

صفحه ۵

یادداشت



محاصره دریایی کشور و جایگزینی مسیرهای زمینی، صف طولانی ناوگان تجاری در مرزهای کشور را به دنبال داشته است



این گفت‌وگو در صفحه ۷ بخوانیدعکس: عیلام‌پدیا

گفت‌وگو با همایون کاتوزیان وطن‌پرستی فعالیت سیاسی نیست

۴۱۸

یادداشت

چرا روایت آمریکا در هیروشیما پیروز شد و در میناب شکست خورد؟

و بحران درونی رهبری ژاین اختلاف نظر وجود دارد. پیش از حمله نیز دانشمندانی در گزارش فرانک و دادخواست لنو زیلارد درباره استفاده مستقیم از بمب علیه شهرها هشدار داده بودند. باین‌حال، پیروزی آمریکا و پایان جنگ، این صداها را برای مدتی به حاشیه راند. محدودیت انتشار تصاویر و گزارش‌های پزشکی نیز به غلبه روایت رسمی کمک کرد؛ اما علت را نمی‌توان فقط به سانسور فروکاست. جامعه‌ای که پس از سال‌ها جنگ، خیر تسلیم دشمن را می‌شنود، آمادگی بیشتری دارد تا تصمیم فاتح را از خلال نتیجه آن قضاوت کند. مردم آمریکا ابتدا تصاویر هوایی یک شهر ویران را دیدند، نه بدن‌های سوخته، بیماری‌های ناشی از تشعشع و مرگ تدریجی بازماندگان را. روایت پیروزی پیش از چهره قربانیان تثبیت شد. این روایت البته ابدی نماند. انتشار اسناد، تصاویر و گزارش مشهور جان هرسی، انسان‌های هیروشیما را از زیر سایه اعداد بیرون آورد. کاهش حمایت آمریکایی‌ها از بمباران در دهه‌های بعد نیز نشان داد پیروزی می‌تواند داوری اخلاقی را به تأخیر بیندازد، اما نمی‌تواند آن را برای همیشه خاموش کند.

وقتی ایران شکست نخورد

۸۱ سال بعد، مدرسه شجره طویه میناب به حافظه جنگ افزوده شد. آمارهای منتشرشده درباره تعداد قربانیان یکسان نبود، اما اصل واقعه روشن بود: مدرسه‌ای فعال در زمان حضور دانش آموزان هدف قرار گرفت و شممار زیادی کودک، معلم و والدین کشته شدند.

۴۱۹

ادامه‌دار صفحه ۲

رسانه ملی و بحران نمایندگی

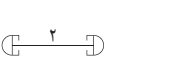
بلکه ساختار رسمی نیز او را به رسمیت نمی‌شناسد. این احساس، بسیار خطرناک‌تر از اختلاف‌نظر سیاسی است. افکار عمومی را نمی‌توان حذف کرد، تنها می‌توان آن را از یک رسانه به رسانه‌ای دیگر منتقل کرد. اگر رسانه بیان دیدگاه‌های متنوع را در رسانه رسمی خود داشته باشد، اختلافاتش یافتن روایت‌های جایگزین، به منابع دیگر مراجعه خواهند کرد. در این شرایط، رشد نفوذ رسانه‌های برون مرزی بیش از آنکه ناشی از قدرت آنها باشد، نتیجه ضعف رسانه داخلی است. هیچ رسانه خارجی نمی‌تواند جایگاهی را تصاحب کند که رسانه ملی آن را حفظ کرده باشد. اشتباه بزرگ‌تر آن است که تصور شود می‌توان با محدودکردن صداها، وحدت ایجاد کرد. تجربه سیاسی جهان دقیقاً

عکس این را نشان می‌دهد. انسجام ملی از دل تک‌صدایی بیرون نمی‌آید؛ بلکه محصول به رسمیت شناختن تفاوت‌ها در چارچوب منافع ملی است. جامعه‌ای که امکان بیان دیدگاه‌های متنوع را در رسانه رسمی خود داشته باشد، اختلافاتش در درون نظام سیاسی مدیریت می‌کند؛ اما جامعه‌ای که این امکان را از دست بدهد، اختلافات خود را به بیرون از این چارچوب منتقل خواهد کرد. دوقطبی‌های اجتماعی معمولاً در خیابان شکل نمی‌گیرند؛ ابتدا در عرصه عمومی و در نظام ارتباطی کشور شکل می‌گیرند. رسانه‌ای که بخش بزرگی از جامعه را نادیده می‌گیرد، ناخواسته این پیام را منتقل می‌کند که فقط یک قرائت رسمی، حق حضور در فضای عمومی را دارد. نتیجه چنین رویکردی، نه انقاع، بلکه انباشت نارضایتی و تعمیق شکاف‌های اجتماعی است. شکاف‌هایی که در شرایط عادی شاید پنهان باشند، اما در نخستین بحران سیاسی، اقتصادی یا امنیتی آشکار می‌شوند. از این منظر، مسئله صرفاً کیفیت برنامه‌های تلویزیونی یا میزان مخاطب نیست؛ بلکه موضوع، امنیت نرم کشور است. امنیت ملی تنها با ابزارهای نظامی و انتظامی تأمین نمی‌شود. یکی از مهم‌ترین پایه‌های امنیت، اعتماد مردم به نهادهای رسمی است. اگر رسانه ملی در زمان آرامش نتواند اعتماد جامعه را جلب کند، در زمان بحران نیز نخواهد توانست افکار عمومی را مدیریت کند. در چنین شرایطی، مرجعیت اطلاع‌رسانی از داخل کشور به بیرون منتقل می‌شود و این انتقال، یکی از پرهزینه‌ترین آسیب‌ها برای هر نظام سیاسی است. از سوی دیگر، رسانه‌های ملی با منابع عمومی اداره می‌شوند. این نکته، صرفاً یک موضوع مالی نیست، بلکه یک الزام سیاسی ایجاد می‌کند. نهادی که از بودجه عمومی استفاده می‌کند، حق ندارد در خدمت بازتاب خواست و سلیقه بخش کوچکی از جامعه قرار گیرد.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

بررسی چشم‌انداز روابط ایران و بریتانیا در گفت‌وگو با مجید تفرشی

دولت جدید سیاست قدیم



برگزیده‌ها

نامه ۱۷انجمن مدرسه‌ساز و مدرسه‌یار به دولت

۴۲۰

دولت‌های شمال آفریقا برای امتیازگیری از اسپانیا، امنیت مرزهای اروپا را تهدید می‌کنند

باج‌خواهی دیپلماتیک در خیابان‌های سئوتا

۴۲۱

زنگ خطر خاموش برای اقتصاد ایران؛

کوچ اشتغال از صنعت به خدمات

۴۲۲

نقدی بر گفت‌وگو با سید محمد بحرینیان

چرا آمریکا و اروپا نمی‌توانستند برای ایران ذوب آهن بسازند؟

۴۲۳



عیسی باستانی، فعال صنعت برق خورشیدی در گفت‌وگو با «شرق»

وقتی دولت بازیگر بازی خودش می‌شود

۴۲۴

یادداشت

ضریب جینی از اقتصاد تا سیاست



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

در مطالعات اقتصادی توجه ویژه‌ای به سهم اقشار مختلف جامعه از درآمد می‌شود. ضریب جینی به‌عنوان یک شاخص مهم اقتصادی تصویری خلاصه‌شده از سهم دهک‌های درآمدی را از کل درآمد جامعه به دست می‌دهد. این شاخص در کنار سایر شاخص‌های مرتبط با توزیع درآمد، درصد نشان‌دادن این واقعیت است که آیا نظام اقتصادی حاکم بر جامعه سهم قابل‌اعتنایی از محصول سالانه جامعه را در اختیار اقشار کم‌درآمد قرار می‌دهد، یا برعکس محرومیت روزافزون را به آنها تحمیل می‌کند؟ یکی از اهداف مهم دولت‌های توسعه‌گرا افزایش سهم اقشار کم‌درآمد از درآمد کل است، اتفاق مهمی که کاهش تدریجی ضریب جینی نشان‌دهنده آن است. از منظر دانش توسعه اقتصادی از یک سو با حرکت جامعه در مسیر توسعه، سهم اقشار کم‌درآمد افزایش می‌یابد. اما از سوی دیگر دستیابی جامعه به توسعه پایدار در کرو رفع فقر و کاهش ابعاد جمعیت زیر خط فقر است. اما همان‌گونه که مطالعه سهم اقشار مختلف جامعه از اقتصاد، مطالعه‌ای ارزشمند و روشنگر است، برآورد سهم آنان از سیاست نیز به‌عنوان یک موضوع مطالعه و پژوهش می‌تواند بسیار مهم تلقی شود. درواقع اگر همان‌گونه که سهم افراد جامعه از اقتصاد را با ضریب جینی نشان می‌دهیم، بتوانیم با قدری مسامحه با محاسبات دیگری ضریب جینی را برای عالم سیاست نیز برآورد کنیم، این شاخص نشان خواهد داد که سهم هر فرد از افراد جامعه در عالم سیاست و تعیین سرنوشت جامعه چقدر است. به بیان دقیق‌تر ضریب جینی اقتصاد سهم افراد از امروز جامعه را تعیین می‌کند و ضریب جینی سیاست (با فرض اینکه بتوان برآوردی کمی از آن ارائه کرد) سهم آنان را از فردای جامعه معلوم می‌کند.

۴۲۵

ادامه‌دار صفحه ۴